



انجمن علمی باستان‌شناسی ایران  
Society of Iranian Archaeology



نخستین

همایش دوسالانه بین‌المللی  
انجمن علمی باستان‌شناسی ایران:

”برهمکنش‌های فرهنگی، پیوست و گسست“

به کوشش

سیدمهدی موسوی، شاهین آریامنش  
مجید منتظر ظهوری و مرتضی خانی‌پور



انتشارات آریامنا

مجموعه مقاله‌های  
نخستین همایش دوسالانه بین‌المللی  
انجمن علمی باستان‌شناسی ایران

به کوشش  
دکتر سیدمهدی موسوی، دکتر شاهین آریامتش  
دکتر مجید منتظر ظهوری و دکتر مرثضی خانی‌پور



انتشارات آریامنا



انجمن علمی باستان‌شناسی ایران  
Society of Iranian Archaeology



انتشارات آریارمنا



دانشگاه مازندران



موسسه آموزش عالی آریارمنا  
گروه نشر و کتابخانه



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



موسسه باستان‌شناسی



انتشارات آریارمنا



دانشگاه صنعتی خواجه نصیر  
اصفهان



دانشگاه بوعلی سینا




دانشگاه خوارزمی



دانشگاه خوارزمی



پژوهشگاه بین‌رشته‌ای



مجموعه مقاله‌های  
نخستین همایش دوسالانه بین‌المللی  
انجمن علمی باستان‌شناسی ایران

به کوشش  
دکتر سیدمهدی موسوی، دکتر شاهین آریامنش،  
دکتر مجید منتظر ظهوری و دکتر مرتضی خانی‌پور  
و همکاری  
دکتر جواد حسین‌زاده و دکتر مصطفی ده‌پهلوان

## انتشارات آریارمنا

مجموعه مقاله‌های نخستین همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران

| به کوشش سیدمهدی موسوی، شاهین آریامنش، مجید منتظر ظهوری و مرتضی خانی‌پور |

| چاپ و صحافی: مهرگان | نوبت چاپ: نخست، ۱۳۹۹ | شمارگان: ۱۰۰ نسخه |

| بها: ۱۰۰۰۰۰ تومان |

| تصویر جلد: تخت جمشید |

| تارخا: www.aryaramna.ir |

| نام‌نگار: aryaramna@hotmail.com، info@aryaramna.ir |

| نشانی: تهران، صندوق پستی: ۵۶۹-۱۴۵۱۵ |

| همراه: ۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶ |

| انتشارات آریارمنا و گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن و انجمن علمی باستان‌شناسی ایران |  
| همه حقوق این اثر برای انتشارات آریارمنا و گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن محفوظ است. |  
| تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی‌دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی انتشارات آریارمنا ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت. |

سرشناس سرشناسه عنوان و نام پدیدآور	همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران (نخستین: ۱۳۹۸: تهران): مجموعه مقاله‌های نخستین همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران/ به کوشش سیدمهدی موسوی، شاهین آریامنش مجید منتظر ظهوری؛ [برگزارکنندگان] گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن، انجمن علمی باستان‌شناسی ایران؛ مشاوران علمی سیدمنصور سیدسجادی ... [و دیگران].
مشخصات نشر	تهران: آریارمنا، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۶۵۲ ص.
فروست	همایش ۳
شابک	978-622-97183-2-2
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	باستان‌شناسی -- ایران -- کنگره‌ها
موضوع	Archaeology -- Iran -- Congresses
شناسه افزوده	موسوی، سیدمهدی، ۱۳۴۶-، گردآورنده
شناسه افزوده	منتظر ظهوری، مجید، ۱۳۵۹-، گردآورنده
شناسه افزوده	آریامنش، شاهین، ۱۳۶۳-، گردآورنده
شناسه افزوده	خانی‌پور، مرتضی، ۱۳۶۴-، گردآورنده
شناسه افزوده	گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن
شناسه افزوده	انجمن علمی باستان‌شناسی ایران
رده بندی کنگره	DSR۴۴:
رده بندی دیویی	۹۵۵/۰۰۴۳
شماره کتابشناسی ملی	۷۳۶۲۰۸۲
وضعیت رکورد	فیا

## انتشارات آریارنا

انتشارات آریارنا بر آن است تا کتاب‌های ارزندهٔ تألیفی و ترجمه‌ای پژوهشگران ایرانی یا نیرانی را در زمینه‌های گوناگون ایران‌شناسی همچون باستان‌شناسی، تاریخ، فرهنگ و زبان‌های باستانی منتشر کند، کتاب‌هایی که برای شناخت تاریخ و فرهنگ گرانسنگ و ورجاوند ایران بسیار ارزشمند باشند. با توجه به پیوندها و ریشه‌های ژرف و عمیق فرهنگی میان ایران و جهان بشکوه ایرانی که از سده‌ها بلکه هزاره‌های دور و دراز برجا بوده است و در دهه‌های اخیر تلاش دشمنان بر آن بوده تا این پیوندهای ژرف را بگسلند و ریشه‌های عمیق را با تیشه برکنند، ایران فرهنگی که دل و دین به آن سپرده‌ایم از چشم دست‌اندرکاران انتشارات آریارنا دور نمانده و چاپ کتاب‌های پژوهشی و ترجمه‌ای ارزنده دربارهٔ جهان ایرانی یا ایران فرهنگی از اولویت‌های انتشارات آریارنا است؛ باشد که از این راه پیوندهایمان پیوسته‌تر و ریشه‌هایمان ژرف‌تر شود. کتاب‌های انتشارات آریارنا پیشکشی ناچیز است به ایرانیان، ایرانی‌تباران، ایران‌دوستان و همهٔ مردمان جهان ایرانی که ایران و جهان ایرانی را از جان دوست‌تر می‌دارند.



### مدیر

دکتر شاهین آریامنش

| گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |

### مشاوران علمی

| دکتر سیدمنصور سیدسجادی (مؤسسهٔ ایزمتو ایتالیا) | استاد اسماعیل یغمایی (سازمان میراث فرهنگی کشور) | دکتر سیدمهدی موسوی (دانشگاه تربیت مدرس) | دکتر محمدابراهیم زارعی (دانشگاه بوعلی سینا همدان) | دکتر سجاد علی‌بیگی (دانشگاه رازی، کرمانشاه) | دکتر حمیدرضا ولی‌پور (دانشگاه شهید بهشتی) | دکتر سعید امیرحاجلو (دانشگاه جیرفت) | دکتر سیروس نصراله‌زاده (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) | دکتر رضا مهرآفرین (دانشگاه مازندران) | دکتر فرزانه گشتاسب (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) | هوشنگ رستمی (گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن) |



## فهرست

سخن دبیر علمی همایش | سید مهدی موسوی

۹

### مقاله‌های فارسی

- ارزیابی و تحلیل نظریه‌های نوسنگی شدن در ایران | سیدکمال اسدی اجایی و رحمت عباس نژاد سرستی ۱۳  
تپه ماچلک؛ محوطه‌ای نویافته از دوران نوسنگی باسفال در دشت گرگان | حبیب‌اله رضایی و سیدمقداد  
میرموسوی ۳۷
- نقش استحاله سنگ مس در فلات مرکزی ایران در نیمه هزاره پنجم پم در برهم‌کنش‌های منطقه‌ای | رحمت  
عباس نژاد سرستی ۴۹
- برهم‌کنش جوامع مس‌وسنگ چهارمحال و بختیاری با مناطق هم‌جوار | مهدی علیرضازاده نودهی، محمود  
حیدریان و علیرضا خسروزاده ۶۹
- الگوهای استقرار محوطه‌های مس‌وسنگ میانی در زاگرس مرتفع: نمونه موردی بخش لاران، استان  
چهارمحال و بختیاری | محسن حیدری دستنایی و علی‌اصغر نوروزی ۸۹
- تپه قلعه‌خرابه ازنا شاهدهی بر حضور جوامعی از مس‌سنگی جدید تا دوران اسلامی در شرق زاگرس مرکزی |  
بهزاد حسینی سرپیشه ۱۰۱
- بررسی تحولات عصر مفرغ سیستان و برهکنش‌های فرهنگی آن با مناطق دیگر | جواد علایی مقدم، رضا  
مهرآفرین و سیدرسول موسوی حاجی ۱۳۱
- معرفی و تحلیل مجموعه نقش‌های صخره‌ای نویافته در اطراف روستاهای چلمبر، لک و شورجه در شهرستان  
بوئین‌زهر، استان قزوین | ناصر امینی‌خواه، فرزاد مافی و فرهاد فتاحی ۱۴۷
- عصر آهن قدیم در شرق ایران | علی‌اکبر وحدتی ۱۶۵
- برهم‌کنش خدایان آب‌وهوای اورارتویی و خاور نزدیک باستان | مریم دارا ۲۲۱
- بازنمایی فرة شاهانه (فرّ کیانی) در هنر ایران باستان، میراثی از سنت‌های هنری میان‌رودان | مریم کشمیری ۲۳۱
- پایه‌ستون محوطه تل دروازه جلوذر، سرنخی از یک بنای ستوندار هخامنشی در ارسنجان | ابراهیم روستایی  
فارسی و بهزاد حسینی سرپیشه ۲۵۷



- معرفی، مطالعه و تحلیل گل مهرهای به‌دست‌آمده از بررسی تل گردوها، شهرستان اقلید، استان فارس | حامد مولایی کردشولی و علیرضا جعفری‌زند ۲۷۱
- شواهد باستان‌شناختی کشمکش ساسانیان و رومیان در قلعه بازیان سلیمانیه | بریار سان‌احمد و اسماعیل سلیمی ۲۸۷
- بررسی باستان‌شناختی بخشی از محور ارتباطی خوزستان به غرب ایران در دوره ساسانی و سده‌های آغازین اسلامی: «تنگ سی‌پله» در استان لرستان | جواد نیستانی و یونس یوسف‌وند ۳۰۵
- مطالعه قلاع قرون میانی اسلامی خراسان جنوبی؛ مطالعه موردی قلعه‌کوه فردوس | محمد فرجامی و علی‌اصغر محمودی‌نسب ۳۲۳
- محله قُمادین در شهر اسلامی جیرفت و مسئله بازرگانی دوربُرد | سعید امیرحاجلو ۳۴۳
- ارزیابی تشابهات بین فرهنگی ایران و سوریه بر مبنای مطالعات سفال‌های قرون میانی اسلامی | حسین صدیقیان و مجید منتظر ظهوری ۳۶۵
- نویافته‌های کاشی زرین‌فام قلعه دختر شهر کرمان | رضا ریاحیان‌گهرتی ۳۸۷
- معرفی و تحلیل نقش‌های هندسی یافته‌های گچی دوران اسلامی مکشوفه از محوطه شاه‌نشین فریم مازندران | هانیه حسین‌نیا، حسن هاشمی زرج‌آباد، سیدرسول موسوی حاجی، مهدی عابدینی ۴۰۳
- مقایسه ساختاری قمه قفقازی (کیندجال) و ایرانی در عصر صفوی بر مبنای مجموعه موزه‌های بنیاد مستضعفان | مجید حاجی‌تبار و میترا حاجی ۴۱۳

#### مقاله‌های انگلیسی

- Common Features of Nakhchivan and Urmia Basin Neolithic Culture | Zeyneb Guliyeva 29**
- Nakhchivan Branch of Azerbaijani National Academy of Sciences | Veli Bakshshaliyev 43**
- Relations of The Gizgala Painted Pottery with Urmia Basin | Turan Hashimova 59**
- Relations of Middle Bronze Age Painted Pottery Culture of Nakhchivan with the Urmia Basin | Fizza Gulieva 69**
- Iron Age short bronze sword in Iran, Mesopotamia and around the Persian Gulf: an analysis of the dispersion and evolution | Narges Bayani 77**
- Monuments and Memory at Pasargadae | Jacob Marc Stavis 107**
- Glazed Parthian Pottery as luxury Goods from a Roman Fortress on the Middle Euphrates' area during the II-III cent. AD. | Giacomo M. Tabita 135**
- Life on the Great Wall of Gorgan: excavations of Sasanian barracks in Fort 2 | Eberhard W. Sauer, Jebrael Nokandeh and Hamid Omrani Rekavandi 155**
- Lost and Found: The Tiles of the Pir-i Bakran Mausoleum (1298-1313, Linjan, Isfahan) | Ana Marija Grbanovic 167**

## سخن دبیر علمی همایش

### به نام آنکه جان را فکرت آموخت

نخستین همایش بین‌المللی دوسالانه انجمن علمی باستان‌شناسی ایران با موضوع برهم‌کنش‌های فرهنگی ایران و سرزمین‌های همجوار، با تولیت انجمن علمی باستان‌شناسی ایران و مشارکت و همکاری دانشگاه‌های مختلف؛ مراکز پژوهشی نظیر پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ پژوهشگاه باستان‌شناسی و دیگر مراکز علمی-فرهنگی شکل گرفت. انجمن علمی باستان‌شناسی ایران براساس اهداف و وظایفی که در اساسنامه مشخص شده است، برنامه‌های مختلفی را در راستای اعتلای علم باستان‌شناسی در کشور دنبال می‌کند که برگزاری نشست‌ها و همایش‌های علمی در سطح ملی و بین‌المللی از جمله آنها به شمار می‌رود. هیئت مدیره انجمن، علاوه بر تلاش‌های جاری در زمینه توسعه و ترویج دانش باستان‌شناسی، یکی از اهداف بلندی که به دنبال تحقق آن است، تأثیرگذاری یافته‌های این علم بر رفتارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه است. بی‌شک آگاهی‌آحاد مردم، اعم از پیر، جوان و به‌ویژه نوجوانان از پیشینه و هویت تاریخی خویش، در تقویت اعتماد به نفس، تصحیح رفتارها و هنجارهای جاری جامعه، تقویت اتحاد و انسجام ملی تأثیر شگرفی خواهد گذاشت. بر همین اساس شناخت و آگاهی مردم ما از ریشه و پیشینه مشترک و روابط عمیق تاریخی ملت ایران با مردمانی که در حوزه ایران فرهنگی می‌زیند، در برقراری صلح و آرامش، کاستن از تنش‌ها و تداوم دوستی‌ها تأثیر بسزایی خواهد داشت. گذشته درخشان و غنای فرهنگ و تمدنی که امروز بدان می‌بالیم، حاصل

برهم‌کنش‌هایی است که در درازنای تاریخ میان ساکنان این سرزمین و مردمان سرزمین‌های همجوار شکل گرفته است. از این رو بایسته است به مدد دانش باستان‌شناسی بر پیوندهای عمیقی که میان نیاکان ما و مردمان هم‌عصرشان در سرزمین‌های پیرامونی برقرار بود، آگاهی یابیم و در زمانه‌ای که برخی بر طبل جدایی‌ها و فاصله میان ملتها می‌کوبند، پیوندهامان را عمیق‌تر و دوستی‌هامان را پایدارتر سازیم تا جهانی پر از آرامش برای همگان فراهم سازیم. بر همین اساس، هدف غایی‌کنگره حاضر شناخت عمیق‌تر نسبت به برهم‌کنش‌های فرهنگی ایرانیان با ساکنان سرزمین‌های پیرامونی در طول تاریخ و انجام تبادلات علمی میان باستان‌شناسان ایرانی و هم‌تایان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. به‌رغم مشترکات دیرینه فرهنگی و تمدنی، متأسفانه حضور باستان‌شناسان ایرانی در پژوهش‌های باستان‌شناسی کشورهای حوزه ایران فرهنگی صفر است. امید آن داریم پیامد این رویداد خجسته، افزونی شناخت متخصصان و پژوهشگران از ظرفیت‌های موجود منطقه‌ای و همکاری‌های نزدیک در فعالیت‌های میدانی در حوزه‌های مشترک و مورد علاقه طرفین در آینده نزدیک باشد.

سیدمهدی موسوی کوهپیر

رییس هیئت مدیره

انجمن علمی باستان‌شناسی ایران

\*\*\*

## برهم‌کنش جوامع مس‌وسنگ چهارمحال و بختیاری با مناطق همجوار

مهدی علیرضازاده نودهی<sup>۱</sup>، محمود حیدریان<sup>\*\*</sup> و علیرضا خسروزاده<sup>\*\*</sup>

\*دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، \*\*استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد

### چکیده

استان چهارمحال و بختیاری در زاگرس جنوبی واقع شده و با توجه به بررسی‌های باستان‌شناختی صورت گرفته در استان، تعداد زیادی محوطه مس‌وسنگی شناسایی شده است. جوامع مس‌وسنگ استان در مجاورت جوامع بزرگ آن دوران از قبیل فارس در جنوب، خوزستان در غرب، فلات مرکزی در شمال و شرق، و تا حدودی زاگرس مرکزی قرار گرفته‌اند. بنابراین انتظار می‌رود جغرافیای سیاسی امروزی استان، محلی برای وقوع برهم‌کنش‌های جوامع مس‌وسنگ قسمت‌های مختلف فلات ایران باشد. از طرفی هرکدام از این جوامع نام برده در دوران مس‌وسنگ دارای شاخصه‌های سفالی مربوط به خود هستند که این شاخصه‌ها به صورت کم‌وبیش در قسمت‌های مختلف استان نمودار گشته است. پژوهش حاضر به دنبال بررسی این برهم‌کنش‌ها در فازهای سه‌گانه مس‌وسنگ است. بر این اساس با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در سطح استان و شواهد سفالی، به تبیین تأثیر هرکدام از جوامع نام برده شده در بالا، بر جوامع مس‌وسنگ استان می‌پردازد. در ادامه مشخص می‌شود که در هر کدام از فازهای سه‌گانه مس‌وسنگ، جوامع استان بیشتر تحت تأثیر کدام منطقه بوده و نقش عواملی از قبیل زمین‌سیما و متغیرهای وابسته به آن و جوامع کوچ‌رو در این تحولات به چه صورت تعریف می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مس‌وسنگ، چهارمحال و بختیاری، برهم‌کنش، زاگرس جنوبی، کوچ‌روی

#### مقدمه

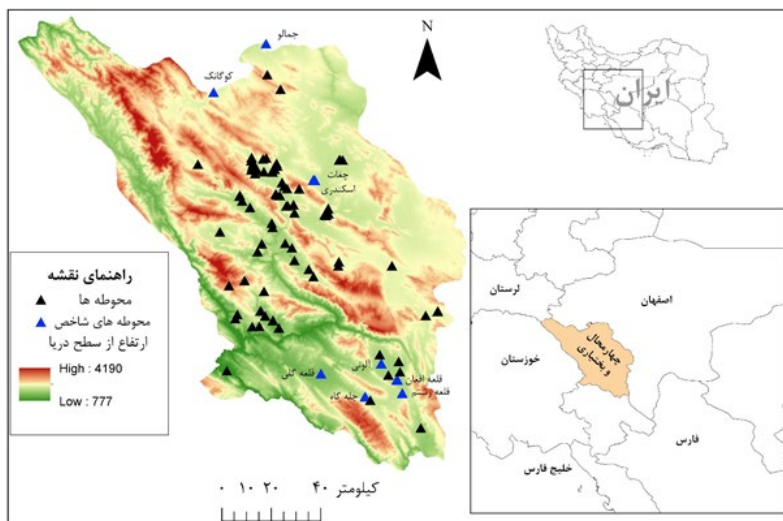
فلات ایران از لحاظ جغرافیایی وسیع بوده و از تنوع زیست‌محیطی بالایی برخوردار است. بنظر می‌رسد که دوران مس‌وسنگ در منطقه‌های مختلف آن لزوماً هم‌زمان شروع نشده و پایان آن نیز می‌تواند تاریخ‌های متفاوتی را اتخاذ کرده باشد. در این میان، برخی از نقاط فلات پتانسیل‌های لازم برای مطالعه این جوامع را بیشتر از دیگر نقاط دارا هستند که از جمله آن‌ها می‌توان به جنوب غرب (خوزستان)، فلات مرکزی، زاگرس مرکزی و جنوبی اشاره کرد. استان امروزی چهارمحال و بختیاری دقیقاً در موقعیت اتصال مناطق نام برده شده قرار دارد (شکل ۱). بنابراین انتظار می‌رود با توجه به موقعیت جغرافیایی اشاره شده و منابع زیست‌محیطی (از قبیل منابع آبی فراوان، دشت‌های میان‌کوهی و ...) مورد توجه فرهنگ‌های دوران مس‌وسنگ فلات ایران قرار گرفته باشد.

از طرفی منطقه کوهستانی بختیاری، که حد شمالی و شمال‌شرقی خوزستان را تشکیل می‌دهد، در درک تحولات فرهنگی دشت‌های آبرفتی ایران اهمیت حیاتی دارد. این منطقه همواره به‌طور سنتی در حیات اقتصادی و سیاسی سرزمین‌های پست فلات و تا حد کمتری فلات مرکزی ایران، نقش داشته است (زاگارل، ۱۳۸۷: ۲۴). لازم به ذکر است با توجه به دیدگاه اشاعه فرهنگی که در مکتب انسان‌شناسی آمریکایی رواج دارد، فلنری منطقه بختیاری را بخش مهمی از «بین‌النهرین بزرگ» می‌داند (Flannery, 1965). در ادامه، مختصری از ویژگی‌های مهم جغرافیایی و معیشتی این منطقه معرفی می‌شود.

این منطقه دارای ۱٪ از کل وسعت ایران می‌باشد که در بستر سلسله جبال زاگرس واقع شده است. که با وجود مساحت کم، ۱۰٪ از منابع آب کشور را در اختیار دارد. به‌علت ماهیت کوهستانی مرتفع، که در مسیر بادهای مرطوب سیستم‌های مدیترانه‌ای قرار داشته و موجب صعود و تخلیه بار این سامانه‌ها می‌شود، این استان دارای بارش به‌نسبت مناسب است. غالباً در مناطق مرتفع نوع بارش به‌صورت برف است و وجود ارتفاعات پوشیده از برف یکی از ویژگی‌های اقلیمی این استان است (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳ و ۹۴: ۱۳). ویلسون بارش سالانه به‌نسبت محدودی را (کمتر از ۳۷/۵ میلی‌متر) برای منطقه بختیاری گزارش کرده و می‌گوید که بیشتر آب این منطقه از ذوب برف تامین می‌شود (Wilson, 1910: 33). بارش در زردکوه تا ۱۰۰۰ میلی‌متر در سال نیز می‌رسد (Ehmann, 1975: 27). گفته می‌شود در دره‌های این منطقه برنج، گندم و جو زیادی کاشته

می‌شود (Bell, 1885: 102). با توجه به شرایط آب و هوایی و جغرافیایی منطقه، ترکیب کشاورزی و گله‌داری در آن متداول‌تر است که این به‌خاطر پتانسیل محدود کشاورزی در برخی از دره‌هاست، از سوی دیگر بسیاری از نواحی بختیاری فقط برای گله‌داری مناسب است و زمین این نواحی برای کشاورزی بیش از حد خشک و سنگلاخی است (زاگارل، ۱۳۸۷: ۲۴).

با توجه به پتانسیل‌های زیست محیطی مطرح شده و این که جوامع مس‌وسنگ چهارمحال و بختیاری در کنار جوامع پیشرفته آن دوران قرار داشتند؛ پژوهش حاضر به دنبال برهم‌کنش‌های بین جوامع داخل استان با خارج از آن است. بسیار مشخص است که مرزهای سیاسی امروزی قابل تعمیم به دوره‌های قبل نیستند و در دوران مس‌وسنگ بیشتر زیست‌گاه‌های طبیعی و عواملی از این دست در تقسیم‌بندی‌ها دخالت داشته‌اند؛ منتها به دلیل اینکه پژوهش‌های باستان‌شناختی در چهارچوب تقسیم‌بندی سیاسی استان‌ها انجام گرفته است، پژوهش حاضر از عنوان «جوامع مس‌وسنگ چهارمحال و بختیاری» استفاده کرده است و منظور جوامعی هستند که در مرزهای سیاسی امروزی استان، طی بررسی‌های باستان‌شناختی شناسایی شده‌اند. لازم به توضیح است که این جوامع در فازهای سه‌گانه مس‌وسنگ، درست مانند مناطق همجوار دارای شاخص‌های سفالی مخصوص به خود هستند.



شکل ۱. موقعیت استان چهارمحال و بختیاری در فلات ایران و شماری از محوطه‌های مس‌وسنگ

پژوهش حاضر سعی می‌کند با پیگیری این شاخصه‌های سفالی، برهم‌کنش‌های صورت گرفته و تأثیر و تأثر جوامع مس‌وسنگ استان و مناطق همجوار را مورد بررسی قرار دهد. در این میان نقش عواملی

از قبیل زمین‌سیما و کوچ‌روی نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بنابراین در ادامه بعد از خلاصه‌ای از فعالیت‌های باستان‌شناختی صورت گرفته در استان، مس‌وسنگ استان چهارمحال و بختیاری و فازهای سه‌گانه آن معرفی می‌شود. سپس مختصری در مورد نقش عواملی از قبیل زمین‌سیما و کوچ‌روی بر برهم‌کنش آورده شده و در نهایت با توجه به شواهد سفالی برهم‌کنش جوامع مس‌وسنگ استان با مناطق همجوار مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### پیشینه پژوهش

درباره کارهای باستان‌شناختی صورت گرفته در استان باید گفت که ظاهراً گمانه‌زنی و تعیین حریم تپه اسکندری هفشجان واقع در جنوب شهرکرد که در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی توسط جهانگیر یاسی از مرکز باستان‌شناسی ایران انجام شد، قدیم‌ترین فعالیت باستان‌شناسی در این منطقه است که متأسفانه گزارشی از آن در دست نیست. جدی‌ترین مطالعات باستان‌شناسی در چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۵۳ شمسی توسط آلن زاگارل انجام و در مناطقی از شهرستان لردگان آغاز شد. در سال ۱۳۵۴ این مطالعات با انجام چند بررسی در مناطق لردگان، گندمان، بلداجی و شهرکرد و گمانه‌زنی در تپه باستانی و مهم قلعه رُستم و تپه گردی چله‌گاه در محدوده شهرستان لردگان به سرپرستی هانس نیسن و توسط آلن زاگارل از هیئت باستان‌شناسی آلمانی پیگیری شد. در بین سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ نیز بررسی کوتاه مدتی در دشت شهرکرد انجام و گمانه‌هایی نیز در تپه قلعه گلی لردگان کاوش شد (زاگارل ۱۳۸۷). پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ باستان‌شناسی چهارمحال و بختیاری به مدت ۱۰ سال متوقف شد. با گمانه‌زنی دوباره تپه باستانی گورگای تپه، در ۲ کیلومتری جنوب شهرکرد در سال ۱۳۶۷ شمسی به سرپرستی جعفر مهرکیان از سازمان میراث فرهنگی کشور، مطالعات باستان‌شناسان ایرانی در چهارمحال و بختیاری بار دیگر آغاز شد. وی پس از آن بررسی‌هایی در بخش بازفت در شهرستان کوهرنگ انجام داد. مهرکیان طی سه فصل در سال‌های ۱۳۷۴، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۴ نیز کاوش‌هایی در محوطه خان‌اوی انجام داد.

در سال ۱۳۷۱ تپه بهرام‌گور، در نزدیکی شهر گندمان به سرپرستی بهمن کارگر گمانه‌زنی شد. یک سال بعد در سال ۱۳۷۲ او تپه‌های بسیار مهم قلعه‌رُستم و برجویی را در شهرستان لردگان گمانه‌زنی کرد؛ ولی هیچ وقت نتایج این گزارش‌ها منتشر نشد. شمار زیادی از تپه‌ها و محوطه‌های باستانی این استان نیز در سال‌های اخیر کاوش و گمانه‌زنی شده‌اند که نتایج هیچ‌یک از این کاوش‌ها تاکنون منتشر نشده است. کاوش‌ها و گمانه‌زنی‌هایی نیز توسط باستان‌شناسان دیگر انجام شده است

که از جمله می‌توان به کاوش تپه سِروه در منطقه بازفت توسط سیدین بروجنی (۱۳۸۹) اشاره کرد. بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ چند فصل بررسی در سرتاسر استان توسط باستان‌شناسان مختلف انجام شد. از جمله این بررسی‌ها می‌توان به یک فصل بررسی شهرستان فارسان توسط علیرضا خسروزاده (۱۳۸۸)، ۴ فصل بررسی در بخش مرکزی کوه‌رنگ توسط کوروش روستایی (۱۳۹۰)، ۱۳۸۹، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۶)، دو فصل بررسی در بخش بازفت شهرستان کوه‌رنگ توسط رسول سیدین بروجنی (۱۳۸۷ و ۱۳۸۸)، سه فصل بررسی در شهرستان لردگان توسط حسن رضوانی (۱۳۹۰)، ۱۳۸۹ و ۱۳۸۸)، سه فصل بررسی در بخش میان‌کوه شهرستان اردل توسط علیرضا خسروزاده (۱۳۹۰، ۱۳۸۹ و ۱۳۸۸)، یک فصل بررسی در بخش مرکزی شهرستان اردل توسط اسماعیلی جلودار (۱۳۸۷)، یک فصل بررسی در بخش ناغان شهرستان کیار توسط مجید کوهی گیلوان (۱۳۸۷)، یک فصل بررسی در بخش شیدا شهرستان بن (عرب، ۱۳۹۵) و یک فصل بررسی در بخش مرکزی شهرستان بن (جولایی، ۱۳۹۶) اشاره کرد.

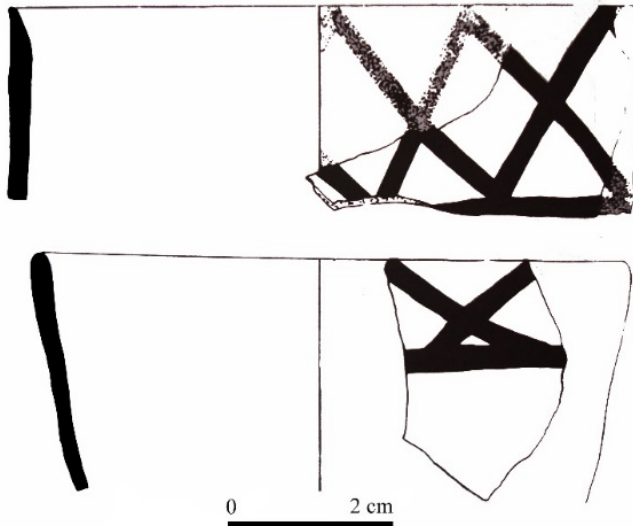
### دوران مس‌وسنگ در منطقه بختیاری

مس‌وسنگ قدیم: مس‌وسنگ قدیم در منطقه بختیاری متناظر با مرحله جعفرآباد در خوزستان است. از نظر مفهومی، مس‌وسنگ قدیم شامل نیمه نخست مرحله چغامیش خوزستان و مرحله خزینه دهلران است (زاگارل، ۱۳۸۷: ۴۰). فرهنگ مس‌وسنگ قدیم بهتر از هر جا در محوطه S12 که تپه مرکزی مجموعه چغات اسکندری - درست در غرب هفشجان - است، شناسایی شده و زاگارل مس‌وسنگ قدیم منطقه را با عنوان «مرحله فرهنگی اسکندری» نام‌گذاری کرده است. ظروفی که از این محوطه به دست آمده به‌طور قطع آن را با مرحله جعفرآباد خوزستان مرتبط می‌سازد. در این رابطه تغارهایی که در شکل ۲ نشان داده شده اهمیت زیادی دارند. هم مشابه ظروف بزرگ و هم نقش مایه‌ای به شکل نوارهای X بر لبه ظرف را می‌توان در محوطه‌هایی همچون جعفرآباد (شکل ۳)، جوی، چغامیش و چغاسفید یافت (همان، ۴۱). زاگارل به ظروف منقوش دیگری هم اشاره می‌کند که قابل مقایسه با ظروف به دست آمده از لایه‌های ۴-۶ جعفرآباد است.

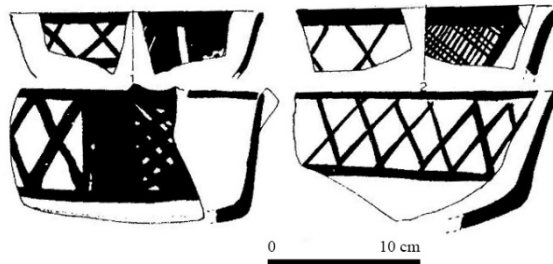
مس‌وسنگ میانی: دوره مس‌وسنگ میانه، دوره رونق و شکوفایی در سراسر منطقه بختیاری بود. زاگارل محوطه‌های مس‌وسنگ میانی را دارای بیشترین فراوانی پس از دوره اسلامی در بررسی‌های خود عنوان کرده است. مواد منسوب به این مرحله بهتر از هر جا در محوطه گرد چله‌گاه (R1) در دشت ریگ شناسایی شده است و سفال‌های زیادی با نقش مایه‌های اواخر مرحله باکون ب گردآوری



شده است. زاگارل از این دوره با عنوان «مرحله فرهنگی چله‌گاه» یاد کرده که نمایانگر نیمه دوم مرحله چغامیش است. این مرحله به‌طور کلی همزمان با لایه‌های ۳m-n جعفرآباد، لایه‌های ۲۲ تا ۱۱ بندبال، مرحله‌های مهمه و بیات در تپه سبز و باکون ب در فارس است (زاگارل، ۱۳۷۸: ۴۳). «مرحله فرهنگی افغان» مرحله فرهنگی مس‌وسنگ میانه، مرتبط با دوره باکون A1-4 که شاخص استان فارس است، مرحله به‌نسبت متداول در منطقه بختیاری است. مرحله فرهنگی افغان در تمام محوطه‌ها همراه با مرحله چله‌گاه و نیز چند مرحله دیگر دیده شده است (زاگارل، ۱۳۷۸: ۴۵). زاگارل مرحله فرهنگی چله‌گاه را قدیم‌تر از مرحله فرهنگی افغان می‌داند و مس‌وسنگ میانی منطقه را با این دو مرحله توضیح داده است به این ترتیب که مرحله فرهنگی چله‌گاه بیشتر با خوزستان مشابهت داشته و مرحله فرهنگی افغان بیشتر به فارس متمایل است (همان، ۵۲).



شکل ۱. نگاره‌هایی با نقش ایکس به‌دست آمده از محوطه S12 (زاگارل، ۱۳۸۷: ۱۷۳).



شکل ۲. ظروف با نقش ایکس، به‌دست آمده از جعفرآباد (Dollfus, 1978: 159).

مس‌وسنگ جدید: محدوده زمانی مس‌وسنگ جدید اساساً متناظر با دوره‌های اوروک قدیم و جدید و جمدهت‌نصر در بین‌النهرین و خوزستان است. زاگارل پیشنهاد داده که مجموعه سفال‌های این دوره در ۳ یا به احتمال ۴ گروه سفالی تقسیم شوند و یادآور می‌شود که بدون کاوش، فقط می‌توان گاه‌شناسی نسبی ارائه داد (جدول ۱). این گروه‌های سفالی عبارت‌اند از: ۱. گروه سفالی شهرک، ۲. گروه سفالی S17 و ۳. گروه سفالی برجویی (زاگارل، ۱۳۷۸: ۵۲، ۵۷ و ۶۱). در مرحله مس‌وسنگ جدید هم در تعداد کل محوطه‌ها و هم در اندازه آن‌ها کاهش دیده می‌شود. همراه با این کاهش، نوع جدیدی از محوطه ظاهر می‌شود که به احتمال با فعالیت‌های دام‌پروری مرتبط است. شواهد استفاده از غارها نیز در این مرحله دیده می‌شود. هرچند سفال بخش‌های مختلف منطقه بختیاری با هم متفاوت‌اند (شکل ۴)، پیوستگی بسیار نزدیکی بین سفال این منطقه و دیگر مناطق مرتفع دیده می‌شود تا با خوزستان. بدون تردید منطقه بختیاری را نمی‌توان در این مقطع زمانی منطقه‌ای تک افتاده توصیف کرد و شاید به‌راستی یکی از راه‌های ارتباطی فلات مرکزی و خوزستان بوده است (زاگارل، ۱۳۷۸: ۷۷).

جدول ۱. جدول گاه‌شناسی نسبی (زاگارل، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

بختیاری	فارس	کنگاور	بین‌النهرین
نوسنگی بی‌سفال			
قلعه رستم			
قلعه رستم III			
قلعه رستم II	موشکی		
قلعه رستم I			
مس‌وسنگ قدیم			عبید ۱
			عبید ۲
مس‌وسنگ میانه	باکون ب (متأخر)	گودین X	عبید ۳
چله‌گاه			
افغان	باکون 4-A1	گودین IX	عبید ۴
		گودین VII	اوروک قدیم
		گودین VI	
مس‌وسنگ جدید			
R1	باکون A5		
شهرک، برجویی		گودین V	اوروک جدید
S17	باناش		جمدهت‌نصر

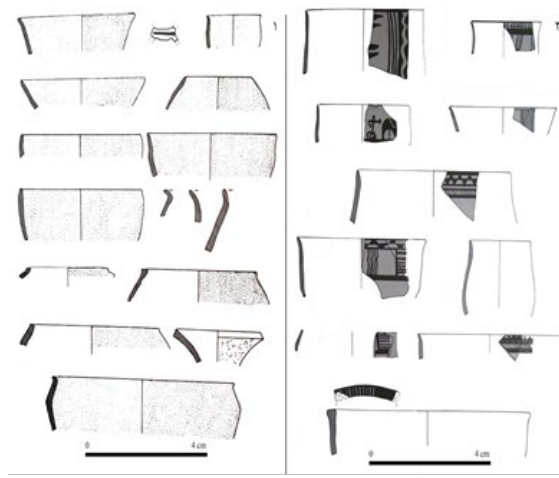
## برهم کنش

برهم کنش با مبادله فرق دارد چنانکه دارک تذکر می‌دهد که حوزه مبادلاتی را نباید با حوزه برهم کنش یعنی منطقه‌ای که ارتباطات فرهنگی اجتماعی در آن به وقوع می‌پیوندد، اشتباه گرفت (دارک، ۱۳۹۴: ۱۶۱). بنابراین می‌توان تصور کرد که این «ارتباطات فرهنگی» هستند که ماهیت برهم کنش را شکل می‌دهند، در واقع به صرف پیدا شدن شی خاص مربوط به یک منطقه در یک جغرافیای دیگر، نمی‌توان اظهار داشت که آن دو جغرافیا یا آن دو منطقه برهم کنش داشته‌اند. به نظر می‌رسد در مشخص کردن برهم کنش موجود میان جوامع، بایستی عوامل مختلفی را در نظر گرفت. شاید یکی از مهم‌ترین آن‌ها جغرافیا باشد که دوری و نزدیکی و راه‌های ارتباطی بین جوامع و در نتیجه انتشار فرهنگی را موجب می‌شود. در این میان نقش گروه‌هایی که با هر دو جامع در ارتباط هستند نیز بهتر است که در نظر گرفته شود. بسیار مشخص است که برهم کنش و عوامل مؤثر در به وجود آمدن آن بین جوامع مختلف، خود بسیار گسترده بوده و پژوهش مستقل دیگری را طلب می‌کند. در این بخش سعی شد تا با ارائه تعریفی از برهم کنش، به نقش جغرافیا و کوچ‌روی در آن پرداخته شود.

**جغرافیا و برهم کنش:** امروزه جوامع انسانی با استفاده از شبکه جهانی اینترنت با فرهنگ‌های یکدیگر آشنا می‌شوند و خواسته یا ناخواسته بر یکدیگر تأثیر گذاشته و صد البته تأثیر هم می‌پذیرند. اما باید در نظر داشت که در جوامع مس‌وسنگ این جغرافیا و راه‌های ارتباطی بود که یکی از شروط لازم (نه کافی) را برای برهم کنش فراهم می‌آوردند. جوامع مس‌وسنگ مورد مطالعه در این پژوهش، از نظر جغرافیایی در مجاورت جوامع بزرگ آن دوران واقع شده‌اند. جوامع پیشرفته فارس و خوزستان در قسمت‌های جنوبی و غربی، جوامع فلات مرکزی و زاگرس مرکزی در قسمت‌های شرقی و شمالی با جوامع مس‌وسنگ استان امروزی چهارمحال و بختیاری همسایه بوده‌اند.

**کوچ‌روی و برهم کنش:** جغرافیای استان چهارمحال و بختیاری برای کوچ‌روی مطلوب است. طبق سرشماری سال ۱۳۸۷ تعداد ۱۴۶۵۷ خانوار عشایری در استان به زندگی کوچ‌روی مشغول بوده‌اند (امیدوار و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۹). واژه کوچ در فرهنگ‌نامه‌های معتبر فارسی تعبیر گوناگونی دارد که عبارت‌اند از روانه شدن از منزلی به منزل دیگر، انتقال جلای وطن، مهاجرت و انتقال ایل یا لشکر از جایی به جای دیگر (مشیری، ۱۳۸۷: ۷). کوچ از نظر اصطلاحی به معنی حرکت جمعی و فصلی به منظور انطباق زندگی انسان و زیست دام با طبیعت است (تقدیسی، ۱۳۷۴: ۸). زندگی مبتنی بر کوچ‌روی دارای ویژگی‌هایی همچون وابستگی انسان به دام، استفاده از چراگاه‌های طبیعی و

جابه‌جایی انسان و دام به‌منظور دوری از سرما و گرمای شدید است که آن را از سایر انواع زندگی اجتماعی متمایز می‌سازد (نیک‌خلق و نوری، ۱۳۷۷: ۱۳).



شکل ۴. سفال‌های مس‌وسنگ جدید

کوچ‌روی خود به دو نوع افقی و عمودی تقسیم می‌شود که در نوع افقی، کوچ در زمین‌های هم‌ارتفاع رخ داده و جابه‌جایی‌ها افقی است، بیشتر در مناطق خشک دنیا که کوچ‌رو به دنبال منابع آب و علف هست، اتفاق می‌افتد حال آنکه در کوچ‌روی عمودی جابه‌جایی بین دشت و کوه اتفاق می‌افتد، یعنی بین نواحی پست و نواحی مرتفع (نیک‌خلق و نوری، ۱۳۷۷: ۲۴ و ۲۷). به بیان دیگر کوچ‌روی افقی به نوعی دام‌داری گفته می‌شود که حرکت و جابه‌جایی، منحصر به پیمودن دشت‌هاست، درحالی‌که کوچ‌روی عمودی به نوعی دام‌داری گفته می‌شود که حرکت از دشت به کوهستان و عکس آن است (علیزاده، ۱۳۸۷: ۲۱).

در مورد کوچ‌روی و نقش آن در برهم‌کنش بایستی ذکر کرد که، راوتون در مورد ماهیت کوچ‌روی در خاور نزدیک و میزان بالای یکپارچگی آن با مراکز تمدنی بحث کرده است و مدل کوچ‌نشینی محصور را پیشنهاد داده است که مراد از این مدل موجودیتی خودمختار متشکل از یکجانشینان و کوچ‌نشینان است که متقابلاً به هم وابسته و در شبکه‌ای از برهم‌کنش‌های اجتماعی از نظر قلمرو به هم پیوسته‌اند (Rowton, 1974). جوهره این یکپارچگی، وابستگی دوسویه و نیز تداخل قلمرویی کوچ‌نشین و یکجانشین است (Spooner, 1973: 6). عنصر مهم در طرف کوچ‌نشین این هم‌زیستی، ناتوانی کوچ‌نشین‌ها برای بقا صرفاً بر اساس شیر تولیدی است و غلات نقش مهمی در زندگی و اقتصاد آن‌ها دارند (زاگارل، ۱۳۸۷: ۱۰۸). استاکلر گزارش می‌کند که برنج و آرد بختیاری‌ها از طریق معامله پایاپای به‌دست می‌آید (Stocqueler, 1832: 118).

### برهم‌کنش جوامع مس‌وسنگ استان با مناطق همجوار براساس مقایسه سفالی

در مطالعات باستان‌شناسی پیش از تاریخ خاور نزدیک، از جمله ایران، سفال در زمینه‌های مختلف از جمله ارتباطات فرهنگی، گاه‌نگاری، لایه‌نگاری تطبیقی و مقایسه‌ای و امثال آن‌ها، نقش اساسی و مهمی دارد. امروزه با وجود استفاده از روش‌های فیزیکی و شیمیایی مختلف برای تعیین قدمت آثار باستانی مانند استفاده از روش آزمایش‌های موسوم به کربن ۱۴، هنوز سفال نقش اساسی و کلیدی خود را در بیشتر موارد همچنان حفظ کرده است (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۹۱: ۱۵۸). می‌توان گفت که تقریباً تمامی کارهای میدانی صورت گرفته در استان -در بازه زمانی مس‌وسنگ- که یافته سفالی داشته‌اند، به مقایسه سفال‌ها با مناطق همجوار به خصوص خوزستان و فارس پرداخته‌اند. در ادامه به تفکیک شهرستان این مقایسه‌های سفالی را پی می‌گیریم (شکل ۵). ضمن اینکه نتایج بررسی‌های حوضه شمالی زاینده‌رود و کاوش تپه سنجر (شمال خوزستان) نیز به دلیل ارائه اطلاعات قابل توجه درباره سفال منطقه بختیاری، در این پژوهش لحاظ شده است.



شکل ۵. تقسیمات سیاسی استان چهارمحال و بختیاری

**فارسان:** بررسی دشت فارسان به سرپرستی خسروزاده انجام شده است. وی بیان می‌دارد که مطالعه اولیه سفال‌های دوره مس‌وسنگ (شکل ۶) نشان‌دهنده ارتباط و نزدیکی بسیار زیاد سفال منطقه با سفال‌های دوره مس‌وسنگ در فارس (باکون الف و ب)، خوزستان (شوشان میانه و جدید) و تا حدودی فلات مرکزی و غرب ایران است؛ ولی به نظر می‌رسد سفال مس‌وسنگ فارسان شباهت بیشتر با فرهنگ‌های پیش از تاریخ فارس و خوزستان دارد (خسروزاده، ۱۳۹۳: ۸۶؛ خسروزاده، ۱۳۹۱: ۱۷۵، Khosrowzadeh, 2014: 38). از طرفی صالحی مقدم پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را بر پایه طبقه‌بندی سفال‌های دشت

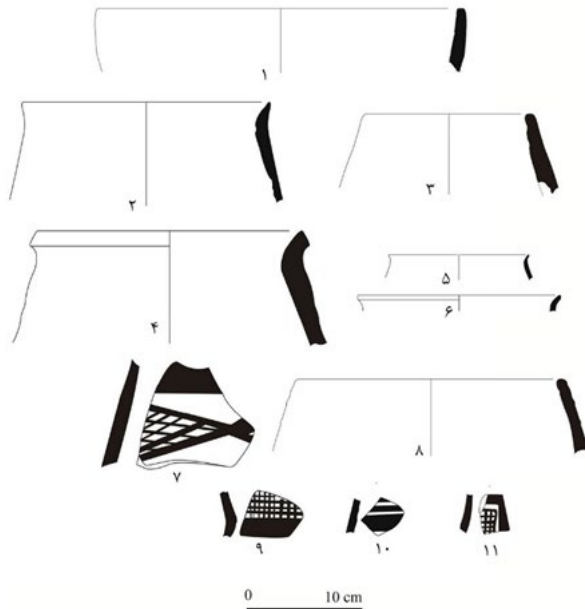
فارسان انجام داده که تشابه سفالی دشت فارسان با مناطق همجوار را به این صورت بیان کرده است: منطقه خوزستان با ۲۳/۴٪، شمال مرکزی با ۲۲/۵٪، زاگرس مرکزی با ۲۲/۲٪، منطقه بختیاری با ۱۷/۵٪ و در نهایت منطقه فارس با ۱۴/۴٪ (صالحی مقدم، ۱۳۹۰: ۸۸). البته باید به این نکته توجه کرد که وی منطقه بختیاری را به‌عنوان منطقه‌ای جداگانه از دشت فارسان در نظر گرفته است و معتقد است که ۱۷/۵٪ سفال‌های مس‌وسنگ دشت فارسان مشابه سفال‌های این منطقه است. وی در توضیح منطقه بختیاری آورده است که نمونه سفال‌های محوطه شهرک، شهرکرد، خان‌میرزا، چغات اسکندری و برجویی را برای این منطقه در نظر گرفته و سفال‌های دشت فارسان را با سفال‌های این مناطق تحت عنوان کلی منطقه بختیاری مقایسه کرده است.



شکل ۳. نمونه‌هایی از سفال‌های مس‌وسنگی شهرستان فارسان (Khosrowzadeh, 2014).

اردل: خسروزاده همچنین سه فصل بررسی در بخش میان‌کوه شهرستان اردل انجام داده که در شماری از محوطه‌ها سفال‌های مشابه فرهنگ باکون را گزارش کرده است (شکل ۷) ضمن اینکه در دو محوطه به شماره بررسی‌های MK 61 و MK 498 سفال‌های مشابه لپویی را رویت کرده است (خسروزاده، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰). وی همچنین در مورد کاربری محوطه‌ها بیان می‌دارد که در

مناطق مختلف شهرستان اردل، مواد فرهنگی مربوط به محوطه‌های پیش از تاریخی درست در جایی یافت می‌شوند که وارگه‌های امروزی عشایر در آنجا قرار دارد (خسروزاده و همکاران، ۱۳۹۷).



شکل ۴. نمونه‌هایی از سفال‌های مس‌وسنگی شهرستان اردل (خسروزاده، ۱۳۹۰).

کیار: شهرستان کیار در آبان و آذر ماه سال ۱۳۸۷ خورشیدی مورد بررسی باستان‌شناختی قرار گرفته و مجید کوهی طی گزارشی، محوطه‌های شناسایی شده را تحویل میراث استان داد. کوهی سفال‌های محوطه تل جنگی را با سفال‌های خوزستان (مرحله شوش میانه) مقایسه کرده و همچنین سفال‌های به‌دست‌آمده از محوطه تل چهارتخت را نیز قابل مقایسه با سفال‌های خوزستان، مرحله شوشان میانه جدید و شوشان میانه قدیم می‌داند (کوهی، ۱۳۸۷: ۶۶۱ و ۶۹۹).

کوه‌رنگ: اسماعیلی جلودار که سرپرست کاوش نجات‌بخشی محوطه مس‌وسنگی حاجی جلیل ۲ واقع در کوه‌رنگ، در نزدیکی رودخانه بیرگان بوده بیان می‌کند که بررسی نقوش سفال‌های ترانشه J13 مشابهت آن‌ها با سفال‌های زاگرس مرکزی را نشان می‌دهد و اغلب این نقوش نیز مرتبط به سنت سوزیانا هستند و از برهم‌کنش فرهنگی میان دره بیرگان و افق فرهنگی سوزیانا سخن به میان می‌آورد و بیان می‌کند که سفال‌های قابل مقایسه با فرهنگ‌های فارس نیز ممکن است پیشنهاد دهنده وجود ارتباط فرهنگی بین دو منطقه باشند (Esmaeili Jelodar and Zolghadr, 2014: 60). اسماعیلی و ذوالقدر سفال‌های قابل مقایسه با دشت شوشان را مربوط به دوره LS1 (بندبال

لایه‌های ۱۱-۱۶) و سفال‌های قابل مقایسه با فارس را مربوط به باکون ب ۲، باکون الف و در برخی موارد گپ می‌دانند (همان، ۶۲).

**بروجن:** شیرازی و همکاران با انتشار مقاله‌ای برخی از نتایج کاوش محوطه ساکی‌آباد را که در حوزه تالاب چغاخور قرار دارد، آشکار ساخته‌اند. آنان سفال‌های منقوش این محوطه را قابل مقایسه با دشت شوشان؛ دهلران فازهای فرخ و بیات؛ فارس، فارس میانه ۱ (باکون ب ۲) و حتی باکون الف می‌دانند (Shirazi et al., 2015). احمدی در مورد مقایسه سفالی محوطه ساکی‌آباد با مناطق همجوار، بیان می‌دارد که سفال‌های شاخص با تزئین نقطه‌ای محوطه، همزمان با اواخر سوزیانا ۱ و مرحله فرخ و بیات در دهلران هستند. علیزاده معتقد است این سبک سفال در دوره فارس میانه (باکون B2) گسترش یافته و تا دوره فارس جدید (باکون A) ادامه پیدا کرده است (علیزاده، ۱۳۸۲). وی همچنین ظهور و گسترش جغرافیایی این سفال را مربوط به جوامع کوچ‌رو می‌داند. مدارک باستان‌شناختی این دوره حاکی از افزایش ارتباطات برون منطقه‌ای با نواحی فارس و خوزستان است و اغلب محوطه‌های شناسایی شده از نظر وسعت بسیار کوچک بوده و پراکندگی آن‌ها در حاشیه اراضی مردابی و مرغزارهاست (احمدی، ۱۳۹۳؛ نوروزی، ۱۳۸۸).

**شهرکرد:** نوروزی و همکاران، بخشی از دست‌آوردهای بررسی باستان‌شناختی بخش لاران (حوضه جنوبی آبریز زاینده‌رود) را منتشر کردند. حدود ۳۵ محوطه دوران مس و سنگ در این بخش شناسایی شده است که ۳ محوطه مربوط به مس و سنگ قدیم بوده و شباهت بیشتری را با فارس و خوزستان نشان می‌دهند. ۱۶ محوطه مربوط به مس و سنگ میانی است و به دلیل اینکه این استقرارها از زمین‌های کشاورزی دور هستند، احتمال کوچ‌رو بودن آن‌ها مطرح شده است. محوطه‌های این دوره با فارس مقایسه شده‌اند. برای دوران مس و سنگ جدید «افت» استقرارها پیشنهاد شده است. ضمن اینکه بخش‌های شمالی ارتباط با فلات مرکزی را نشان می‌دهند، این در حالی است که بخش‌های جنوبی از الگوهای فارس پیروی می‌کنند (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۷؛ نوروزی، ۱۳۸۸).

### یافته‌های کاوش تپه سنجر

سفال‌های حاصل از کاوش تپه سنجر خوزستان، به‌منظور مطالعه تطبیقی برهم‌کنش‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای توسط باجوروند و همکاران مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به یافته‌های سفالی کارگاه‌های A و F این نتایج به‌دست‌آمده است: در فاز شوشان میانه جدید، نمونه‌های قابل مقایسه با فاز چله‌گاه بختیاری به‌دست‌آمده؛ در فاز شوشان جدید ۱، مس و سنگ میانه منطقه بختیاری به‌دست‌آمده؛ در



فاز شوشان جدید ۲، سفال‌های مرتبط با فاز افغان در منطقه بختیاری دیده شده و سرانجام اینکه در فاز شوش الف پایانی، سفال‌های مشابه مس‌وسنگ جدید بختیاری به‌دست آمده است (باجوروند و همکاران، ۱۳۹۷).

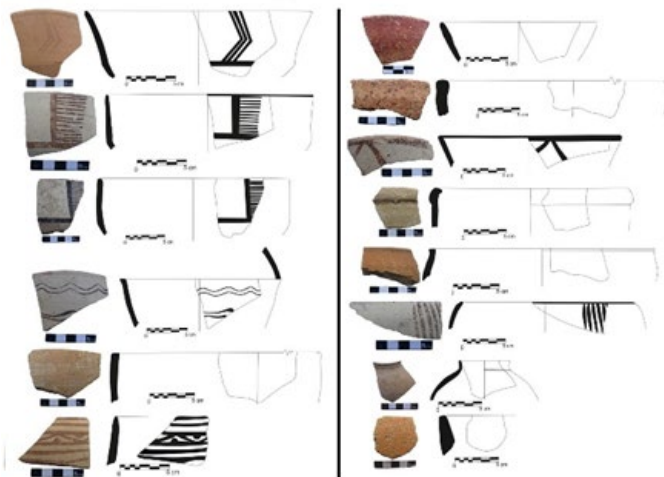
در منطقه بختیاری سفال مشابه با سفال شوشان میانه جدید در دوره مس‌وسنگ میانه (فاز چله‌گاه) دیده شده است (زاگارل، ۱۳۸۷). سابقه حضور سفال مناطق پست در نواحی بختیاری به دوره مس‌وسنگ قدیم و سفال جعفرآباد I برمی‌گردد. این سفال که در منطقه بختیاری پیدا شده، در نواحی شرقی، شمالی و شمال‌غربی این منطقه یافت نشده و کاملاً محتمل است که جهت ورود آن از سرزمین شوشان باشد (زاگارل، ۱۳۸۷). این در حالی است که تعاملات فرهنگی فارس با دشت شوشان از فاز شوشان میانه جدید آغاز شده است و نقوش سفال‌های همزمان با شوشان میانه جدید تپه سنجر، در فاز باکون B2 در فارس هم دیده می‌شود (علیزاده، ۱۳۸۳: شکل ۲۳). فاز باکون B2 با فاز چله‌گاه در منطقه بختیاری ارتباطات نزدیکی دارد (Mc Call., 2009: 83) که این ارتباط در مورد فاز شوشان میانه جدید در دشت شوشان هم دیده می‌شود و ظاهراً به‌تدریج شاهد شکل‌گیری شبکه‌ای از مبادلات فرهنگی در سه منطقه شوشان، فارس و بختیاری در این زمان هستیم. به‌احتمال زیاد نقش کوچ‌روها در شکل‌گیری این شبکه فرهنگی با توجه به رشد گسترده اقتصاد معیشتی کوچ‌روی در فازهای بعدی، انکارناپذیر به‌شمار می‌آید (باجوروند و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۵).

### نتایج بررسی حوضه شمالی زاینده‌رود

یوسفیان پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را به مطالعه برهم‌کنش فرهنگی جوامع مس‌وسنگ حوضه زاینده‌رود (قسمت‌هایی که امروزه در استان اصفهان واقع شده و در مجاورت مرزهای شمالی استان چهارمحال و بختیاری قرار دارد) با مناطق همجوار اختصاص داده و سفال‌های آن را با دیگر نقاط فلات مقایسه کرده است. در این میان شماری از محوطه‌ها، سفال‌های مشابه منطقه بختیاری را ارائه کرده‌اند که خلاصه آن در جدول ۲ آمده است (یوسفیان، ۱۳۹۶). لازم به توضیح است که محوطه‌های جدول ۲، به جز منطقه بختیاری، سفال‌های قابل مقایسه‌ای را با دیگر مناطق فلات، از جمله فلات مرکزی، زاگرس جنوبی، زاگرس مرکزی و خوزستان نیز ارائه کرده‌اند. همچنین بایستی عنوان کرد که محوطه جمالو، در مرزهای سیاسی استان چهارمحال و بختیاری واقع شده و در بررسی باستان‌شناختی شهرستان بن مورد مطالعه قرار گرفته است (عرب و محمدی، ۱۳۹۵). در ادامه نمونه سفال‌هایی از این محوطه ارائه می‌شود (شکل ۸).

جدول ۲. محوطه‌هایی که سفال‌های مشابه منطقه بختیاری را دارند

نام محوطه	چغات اسکندری	دشت خان‌میرزا	قلعه افغان	شهرک	ساک‌آباد
تپه آشنا	*				
تپه جمالو	*		*	*	
خرساک		*			
قلعه شاهرخ			*	*	
گاویاران	*				*
طرار	*			*	
ننادگان ۱		*			*
درختک ۱		*			
درختک ۲		*			*
تپه دهق		*			
بدرخانی	*				*
حاج باور آقا		*			*
میدانک ۱		*			*



شکل ۵. نمونه‌هایی از سفال‌های مس‌وسنگی شهرستان بن، محوطه جمالو، BN 044 (عرب و محمدی، ۱۳۹۵)

### بحث و بررسی

ظاهراً برخلاف روند افزایش استقرارهای نوسنگی، در آغاز دوره مس‌وسنگ با کاهش چشمگیر استقرارها مواجه هستیم (نوروزی، ۱۳۸۸). زاگارل معتقد است که مواد فرهنگی مس‌وسنگ قدیم بهتر از هرکجا در تپه

مرکزی چغات اسکندری دیده شده و ظروف آن به طور قطع با مرحله جعفرآباد خوزستان مرتبط است (زاگارل، ۱۳۸۷: ۴۱). این در حالی است که عزیزاده هزاره پنجم را در کوه‌های بختیاری، دوره تغییرات مهم می‌داند که در آن شمار محوطه‌های فصلی غاری افزایش یافت و نبود سفال شوش الف و وجود سفال‌های مرتبط با باکون الف و سیلک III در این منطقه نشانگر ارتباط جدید بین فارس، فلات مرکزی و کوه‌های بختیاری است که شاید نتیجه تغییر در پیمان‌های منطقه‌ای باشد (عزیزاده، ۱۳۸۳: ۸۵).

زاگارل در مورد مس‌وسنگ میانی منطقه بختیاری بیان می‌دارد که سفال‌های این مرحله به‌طور قطع ارتباط بسیار نزدیکی با سفال‌های هم‌زمان در خوزستان دارد (زاگارل، ۱۳۸۷: ۴۲) همچنین سفال‌های مرحله افغان نزدیکی بیشتری با فارس دارند تا خوزستان (همان، ۵۲). افزون بر این داده‌های باستان‌شناختی از کوه‌های بختیاری بر توسعه موازی دلالت دارد که طی نیمه نخست هزاره چهارم پم در فارس رخ داد. این تحول با متروک شدن شماری از محوطه‌ها و جایگزین شدن سفال منقوش باکون الف با سفال قرمز ساده به اوج خود رسید (عزیزاده، ۱۳۸۳: ۸۵ و Zagarell, 1982: 44-50). در منطقه بختیاری سفال‌های فاز میانی دوره مس‌وسنگ میانی هم‌زمان با شوشان جدید ۱، مرحله فرخ و بیات در دهلران هستند (زاگارل، ۱۳۸۷: شکل ۱۹، شماره‌های ۲، ۶، ۷ و ۱۱) هرچند که شباهت‌های بین سفال‌های منطقه بختیاری با تپه سنجر کمتر از بقیه مناطق مورد مقایسه است (باجوروند، ۱۳۹۷: ۵۶)، اما به‌دست آمدن سفال با نقوش نقطه‌ای در مناطق کوه‌رنگ، شهرکرد (صالحی کاخکی، ۱۳۸۶: شکل ۴-۸، طرح ۱؛ شکل ۴-۱۰، طرح ۸ و ۱۰) و چغاخور (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۲: شکل ۸، طرح ۲، ۴، ۷، ۸ و ۱۳) که جز مناطق غربی تا شرقی منطقه بختیاری هستند، نشان از گستردگی فرهنگ شوشان جدید ۱ در این منطقه است. اما در مورد مس‌وسنگ میانی باید گفت که استقرارها افزایش فوق‌العاده‌ای داشته‌اند و شواهد باستان‌شناختی، حاکی از افزایش ارتباطات برون منطقه‌ای به‌خصوص با فارس و خوزستان است. ضمن اینکه استقرارهای معدودی می‌توانسته تمام طول سال مسکون بوده باشد (نوروزی، ۱۳۸۸).

زاگارل برخی از سفال‌های مس‌وسنگ جدید منطقه را قابل مقایسه با فلات مرکزی می‌داند (همان، ۵۲). از طرفی در مورد دوره لپویی هم باید اذعان کرد که استان چهارمحال و بختیاری به دلیل مجاورت با خاستگاه فرهنگ لپویی و همچنین دارا بودن چراگاه‌های مناسب در دامنه کوه‌ها و دشت‌های میان‌کوهی مورد توجه بانیان فرهنگ لپویی قرار گرفته است. دشت‌های فارسان و شهرکرد شمالی‌ترین حوزه نفوذ این فرهنگ را در استان، تا به امروز مشخص می‌کنند. ضمن اینکه دشت‌های جنوب استان (ریگ و خان‌میرزا) نیز شمار زیادی سفال لپویی در اشکال و کیفیت‌های مختلف ارائه

کرده‌اند. از طرفی شهرستان‌های بن، سامان و کوهرنگ هیچ شواهدی از دوران لپویی ارائه نکرده‌اند. با توجه به شواهد سفالی انتظار می‌رود که نواحی جنوبی استان دارای شواهد بیشتر و متنوع‌تری از فرهنگ لپویی باشند (علیرضازاده، ۱۳۹۷؛ علیرضازاده و همکاران، ۱۳۹۸).

در منطقه بختیاری در دوره مس‌وسنگ جدید در تعداد کل محوطه‌ها و همچنین اندازه آن‌ها کاهش دیده می‌شود. همراه با این کاهش، نوع جدیدی از محوطه ظاهر می‌شود که به احتمال با فعالیت‌های دامپروری مرتبط است. پیوستگی بسیار نزدیکی بین سفال‌های این منطقه و دیگر مناطق مرتفع دیده می‌شود تا ارتباط با خوزستان (زاگارل، ۱۳۸۷: ۷۷). در مس‌وسنگ جدید تغییرات در الگوی استقرار را شاهدیم و نوروزی معتقد است که قسمت‌های شمالی استان ابتاطات با فلات مرکزی را روشن می‌سازد و قسمت‌های جنوبی از الگوهای فارس تبعیت می‌کنند (نوروزی، ۱۳۸۸). با اتمام بررسی دوره مس‌وسنگ جدید؛ نگارندگان یادآور می‌شوند که در استان محوطه‌های با پتانسیل لازم جهت لایه‌نگاری وجود دارد (شکل ۹)، اما هنوز عمده اطلاعات ما دربارهٔ دوران مس‌وسنگ استان به بررسی‌های زاگارل بازمی‌گردد.



شکل ۶. محوطه‌های شاخص که سفال‌های فازهای مختلف مس‌وسنگ را ارائه کرده‌اند. ۱) تپه مرکزی اسکندری، دید از شمال شرقی؛ ۲) تپه کوگانک، دید از شمال غربی؛ ۳) آلونی، دید از شمال و ۴) تپه جمالو، دید از جنوب

### برآیند

با توجه به موارد مطرح شده، مشخص می‌شود که از زمان نخستین کارهای میدانی منسجم صورت گرفته در استان توسط زاگارل تا به امروز همواره سفال‌های دوران مس‌وسنگ استان با مناطق همجوار، به‌خصوص فارس و خوزستان مقایسه شده است. در شهرستان‌های مختلف استان، سفال‌های قابل مقایسه با خوزستان، فارس (باکون الف و ب)، فلات مرکزی و زاگرس مرکزی یافت شده است. در این میان مس‌وسنگ قدیم و فاز چله‌گاه مس‌وسنگ میانی شباهت بیشتری را با خوزستان نشان می‌دهد اما در فاز

افغان از مس‌وسنگ میانی، به نظر می‌رسد که جوامع فارس تأثیر بیشتری را بر جوامع استان داشته‌اند. در مس‌وسنگ جدید، هم تأثیرات فلات مرکزی بر محوطه‌های استان مشخص است هم پیروی از الگوهای فارس در قسمت‌های جنوبی کماکان به قوت خود باقی مانده است. در این میان سفال‌های شاخص لپویی (۳۹۰۰ تا ۳۴۰۰ پم) هم بخش بزرگی از روابط هزاره چهارم پم منطقه بختیاری با خاستگاه فرهنگ لپویی (حوضه رود کر-فارس) را آشکار می‌سازد. سفال‌های لپویی استان مورد بررسی و مطالعات آزمایشگاهی قرار گرفته و نشان‌دهنده نقش جوامع کوچ‌رو در برهم‌کنش صورت گرفته بین این دو منطقه در این هزاره است. همان‌طور که پیشتر ذکر شد، استان چهارمحال و بختیاری تقریباً در محل اتصال مناطق فرهنگی زاگرس جنوبی (فارس)، جنوب‌غرب (خوزستان)، فلات مرکزی و زاگرس مرکزی واقع شده است. پیشنهاد می‌شود برای روشن‌تر شدن ابعاد برهم‌کنش‌ها و تاریخ‌گذاری دقیق آن‌ها، کاوش‌هایی بدین منظور در استان صورت گیرد.

### کتاب‌نامه

#### الف) فارسی

- احمدی، خسرو. (۱۳۹۳). مطالعه ماندگاه‌های فصلی مس‌وسنگی کاوش شده زاگرس با استفاده از تئوری حد وسط (نمونه موردی محوطه ساکی‌آباد در حوزه تالاب چغاخور-زاگرس مرتفع)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، منتشر نشده.
- امیدوار، شهرام؛ صدقی، لهراسب؛ فتاحی نافچی، قاسم؛ کیهانی، مسیح‌اله و ناظمی هرندی، علیرضا. (۱۳۹۲). استان‌شناسی چهارمحال و بختیاری، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- باجوروند، بیژن؛ مرتضوی، مهدی و سرداری‌زارچی، علیرضا. (۱۳۹۷). «مطالعه‌ی تطبیقی برهم‌کنش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از دوره‌ی شوش میانی جدید تا شوش الف پایانی بر اساس سفال‌های مکشوف از تپه سنجر، خوزستان»، پژوهش‌های باستان‌شناسی، شماره ۱۷، دوره هشتم: ۴۵-۶۴.
- تقدیسی، احمد. (۱۳۷۴). جغرافیای کوچ‌نشینی، مبنای و ایران، اصفهان: انتشارات گل‌بهار.
- خسروزاده، علیرضا و بهرامی‌نیا، محسن. (۱۳۹۷). «تداوم زندگی کوچ‌نشینی از دوره پیش از تاریخ تا عصر حاضر در منطقه میان‌کوه شهرستان اردل؛ بر پایه مدارک باستان‌شناختی»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۱۰، شماره ۱: ۱۲۳-۱۴۷.
- خسروزاده، علیرضا. (۱۳۸۸). گزارش فصل اول بررسی باستان‌شناختی بخش میانکوه شهرستان اردل، شهرکرد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- خسروزاده، علیرضا. (۱۳۸۹). گزارش فصل دوم بررسی باستان‌شناختی بخش میانکوه شهرستان اردل، شهرکرد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

- خسروزاده، علیرضا. (۱۳۹۰). گزارش فصل سوم بررسی باستان‌شناختی بخش میانکوه شهرستان اردل، شهرکرد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- خسروزاده، علیرضا. (۱۳۹۱). «الگوی استقراری دشت فارس از پیش از تاریخ تا دوران اسلامی»، نامورنامه، مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش. تهران: انتشارات ایران‌نگار: ۱۶۹-۱۸۹.
- خسروزاده، علیرضا. (۱۳۹۳). بررسی تحولی زیستگاه‌های انسانی دشت فارس از دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی، شهرکرد: دانشگاه شهرکرد.
- دارک، کن. (۱۳۹۴). مبانی نظری باستان‌شناسی، ترجمه کامیار عبدی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- زاگارل، الن. (۱۳۸۷). باستان‌شناسی پیش از تاریخ منطقه بختیاری: ظهور شیوه زندگی در ارتفاعات، ترجمه کوروش روستایی؛ شهرکرد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری.
- شجاعی، علیرضا؛ عباسی، علیرضا؛ ادهمی، مهران؛ آبیاری، زهرا. (۹۴-۱۳۹۳). گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری در سال‌های ۹۴-۱۳۹۳، شهرکرد: سازمان برنامه و بودجه استان چهارمحال و بختیاری.
- صالحی‌کاخکی، احمد. (۱۳۸۶). بررسی باستان‌شناختی بخش‌های چنارود و بن‌رود در حوضه آبخیز زاینده‌رود، رساله‌ی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، منتشر نشده.
- عرب، احمد و محمدی، عباسعلی. (۱۳۹۵). گزارش فصل اول (بخش شیدا) بررسی باستان‌شناختی شهرستان بن، شهرکرد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- علیرضازاده، مهدی. (۱۳۹۷). «مطالعه الگوی استقراری و برهم‌کنش جوامع مس‌وسنگ چهارمحال و بختیاری با مناطق همجوار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهرکرد (منتشر نشده).
- علیرضازاده، مهدی؛ حیدریان، محمود و خسروزاده، علیرضا. (۱۳۹۸). «فرهنگ لپویی و حوزه نفوذ آن در کوهستان‌های چهارمحال و بختیاری»، اولین کنفرانس ملی دوسالانه باستان‌شناسی و تاریخ هنر ایران، ۱۱ و ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۸، دانشگاه مازندران، نشر ژینو، چاپ اول، ۱۳۹۸: ۱۹۱۶-۱۹۲۸.
- علیزاده، عباس. (۱۳۸۲). الگوهای استقراری و فرهنگ‌های پیش از تاریخی دشت شوشان: بر اساس تحلیل مجموعه حاصل از بررسی ف.ج.ل. گرملی‌زا، ترجمه گاراژیان، عمران گاراژیان و لیلیا پاپلی؛ تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- علیزاده، عباس. (۱۳۸۳). منشا نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس: تل باکون، کوچ‌نشینی باستان و تشکیل حکومت‌های اولیه، ترجمه کوروش روستایی؛ تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری: بنیاد پژوهشی پارسه- پاسارگاد.
- علیزاده، عباس. (۱۳۸۷). شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان، شهرکرد: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- کوهی، مجید. (۱۳۸۷). بررسی باستان‌شناختی شهرستان کیار، بخش ناغان و مشایخ، شهرکرد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- مشیری، سیدرحیم. (۱۳۸۷). جغرافیای کوچ‌نشینی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ملک شه‌میرزادی، صادق؛ (۱۳۹۱). ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی، تهران: سبحان نور.

نوروزی، علی‌اصغر و حیدری، محسن. (۱۳۹۷). «نتایج مقدماتی بررسی باستان‌شناختی در حوزه آبخیز زاینده‌رود جنوبی، بخش لاران، استان چهارمحال و بختیاری»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۱: ۲۰۷-۲۲۶.

نوروزی، علی‌اصغر. (۱۳۸۸). «مطالعات باستان‌شناسی در حوضه آبخیز کارون شمالی (استان چهارمحال و بختیاری)»، مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱، شماره ۲: ۱۶۱-۱۷۵.

نوروزی، علی‌اصغر؛ حیدری، محسن و احمدی، خسرو. (۱۳۹۲). «محوطه ساکی‌آباد در حوزه تالاب چغاخور: شواهدی از استقرار کوچ‌نشینی در دوره مس و سنگ در شمال زاگرس جنوبی»، مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۵، شماره ۱: ۱۴۵-۱۶۳.

نیک‌خلق، علی‌اکبر و نوری. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی عشایر ایران، تهران: انتشارات چاپ‌بخش.

یوسفیان، راحله. (۱۳۹۶). برهم‌کنش فرهنگی در دوره مس سنگ حوزه آبریز زاینده‌رود در چادگان، فریدن و فریدون‌شهر با مناطق هم‌جوار بر اساس مطالعه و گونه‌شناسی سفال‌های بدیت آمده از بررسی‌های باستان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهرکرد، منتشر نشده.

#### ب) نافرسی

- Bell, M. S. (1885). "Military Report on Southwest Persia", Simla.
- Dollfus, G. (1978). "Djaffarabad, Djowi, Bendebal : contribution à l'étude de la Susiane au Ve millénaire et au début du IVe millénaire", Paléorient 4: 141-167.
- Ehmann, D. (1975). "Bakhtiaren-Persische Bergnomaden im Wandel der Zeit", Wiesbaden.
- Esmaili Jelodar, M., and Zolghadr, S. (2014). "Central Zagros, Highland Fars and Lowland Susiana: a sphere of interaction in the 5<sup>th</sup> millennium BCE." Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan (AMIT), Vol: 46.
- Flannery, K. V. (1965). "The Ecology of Early Food Production in Mesopotamia", Science 147: 1247-1256.
- Khosrowzadeh, A. (2014). "The Chalcolithic Period in the Bakhtiari Highlands: Newly Found Sites of Farsan, Chaharmahal va Bakhtiari, Iran", International Journal of the Society of Iranian Archaeologists, Vol. 2, No.2, Spring-Summer 2015.
- Mc Call, K. B. (2009). "The Mamasani Archaeological Survey: Epipalaeolithic to Elamite Settlement Patterns in the Mamasani district of the Zagros Mountains, Fars Province, Iran". Ph.D. Dissertation, University of Sydney.
- Rowton, M. B., (1974). "Enclosed Nomadism", Journal of the Economic and Social History of the Orient 17: 1-30.
- Shirazi, R., Norouzi, A. A., Heidary, M., and Ahmadi, Kh. (2015). "New evidence of Chalcolithic nomadic campsite in the Highland Zagros, Iran: Saki Abad", Antiquity Project Gallery, Issue 344, April 2015.
- Stocqueler, J. (1832). "Fifteen Month' Pilgrimage through Untrodden Tracts of Khuzistan and Persia", Vol I and II, London.
- Wilson, A. (1910). "Military Report on South-west Persia, The Bakhtiari Country North of the Karun River", Simla.
- Zagarell, A. (1982). "The Prehistory of the Northeast Bakhtiari Mountains, Iran: The Rise of a Highland Way of Life", Beihefte zum Tubinger Atlas des Vorderen Orients, 42, Dr. Ludwig Reichert Verlag, Wiesbaden.

<b>Introducing and Analyzing a Collection of New Rock Motifs around the Villages of Chalambar, Lak and Shorjeh in Buin Zahra city, Qazvin province</b>   Nasser Aminikhah, Farzad Mafi, Farhad Fatahi	147
<b>Eastern Iran during Iron Age</b>   Ali Akbar Vahdati	165
<b>Interaction of Climate Gods of Urartu and Ancient Near East</b>   Maryam Dara	221
<b>Representation of Royal Splendor at Iranian Ancient Art, a Legacy of Mesopotamian Artistic Traditions</b>   Maryam Kashmiri	231
<b>Pedestal of Tol Darvazeh Jolodar Site, Clue from Achaemenid Columned Structure at Arsanjan</b>   Ebrahim Roostaei, Behzad Hosseini Sarbisheh	257
<b>Introduction and Analysis of Seal Impressions from Tal Gerdooha, Eqlid</b>   Hamed Molaei Kordshooli, Alireza Jafari Zand	271
<b>Rebuilding the Defeat of Khosrwparris Troops in Northern Iraq, Relying on Sulaimaniyah Castle Exploration</b>   Bryar SanAhmed, Esmaeil salimi	287
<b>Archaeological Survey of Part of Relation Axis of Khuzistan to Western Iran during Sassanid and Early Islamic periods: "Tang-i-Si Peleh", Luristan</b>   Javad Neiestani, Yunes Yoosefvand	305
<b>Study of Medieval Islamic Castles in South Khorasan - Ferdows Mount Castle</b>   Mohammad Farjami, Ali Asghar Mahmoodi Nasab	323
<b>Qomadin Quarter at Islamic Jiroft and Problem of Long Range Commerce</b>   Saeid Amir Hajlou	343
<b>Assessing the Intercultural Similarities of Iran and Syria Based on Studies of Pottery of the Middle Ages</b>   Hosein Sedighian, Majid Montazae Zohouri	365
<b>New Finding Luster Tiles from Qaleh Dokhtar, Kerman</b>   Reza Riahyan	387
<b>Introducing and Analyzing the Geometric Motifs of the Findings of the Islamic Era of Gypsum from the Frame of Mazandaran</b>   Haniyeh Hosein Nia, Hasan Hashemi, Seyed Rasoul Mousavi Haji, Mehdi Abedini Araghi	403
<b>Case Study and Structural Comparison of Caucasian and Iranian Qama (Kindjal) in the Safavid Era Accordind to C.I.M Collections</b>   Majid Hajitabar, Mitra Haji	413



## Contents

### English Articles

<b>Common Features of Nakhchivan and Urmia Basin Neolithic Culture</b>   Zeyneb Guliyeva	31
<b>Nakhchivan Branch of Azerbaijani National Academy of Sciences</b>   Veli Bakhshaliyev	45
<b>Relations of The Gizgala Painted Pottery with Urmia Basin</b>   Turan Hashimova	61
<b>Relations of Middle Bronze Age Painted Pottery Culture of Nakhchivan with the Urmia Basin</b>   Fizza Gulieva	71
<b>Iron Age Short Bronze Sword in Iran, Mesopotamia and around the Persian Gulf: an Analysis of the Dispersion and Evolution</b>   Narges Bayani	79
<b>Monuments and Memory at Pasargadae</b>   Jacob Marc Stavis	109
<b>Glazed Parthian Pottery as Luxury Goods from a Roman Fortress on the Middle Euphrates' area during the II-III cent. AD.</b>   Giacomo M. Tabita	149
<b>Life on the Great Wall of Gorgan: excavations of Sasanian barracks in Fort 2</b>   Eberhard W. Sauer, Jebrael Nokandeh and Hamid Omrani Rekavandi	169
<b>Lost and Found: The Tiles of the Pir-i Bakran Mausoleum (1298-1313, Linjan, Isfahan)</b>   Ana Marija Grbanovic	181

### Persian Articles

<b>Analysis and Assessment of Neolithization Theories of Iran</b>   Seyyed Kamal Asadi, Rahmat Abbasnejad Seresty	13
<b>Machelak Tappeh, A new area of Neolithic pottery era in Gorgan plain</b>   Habib olah Rezai, Seyed Meghdad Mirmosavi	37
<b>The Effect of Copper Ore Smelting on Regional Interactions in the Central Plateau of Iran in the Middle of the Fifth Millennium BCE</b>   Rahmat Abbasnejad Seresty	49
<b>Interaction of Chalcolithic Societies of Chaharmahal- O Bakhtiari with Neighboring Regions</b>   Mahdi Alirezazadeh, Mahmoud Heidarian, Alireza Khosrowzadeh	69
<b>Settlement Patterns of Middle Chalcolithic Sites in Highland Zagros: A Case Study Laran County, Chaharmahal and Bakhtiari Province</b>   Mohsen Heydari Dastenaee, Aliasghar Nowroozi	89
<b>Defining Area and Territory of Qaleh Kharabeh Tepe, Azna, and Feasibility Study to make an Archaeological Site-Museum</b>   Behzad Hoseini Sarbisheh	101
<b>Investigating the Changes of Sistan and its Cultural Interactions with other Regions during the Bronze Age</b>   Javad Alaei Moghadam, Reza Mehrafarin, Seyed Rasoul Mousavi Haji	131



Aryarmana Publications has started its activities in 2016 and aims in publishing the valuable compilation and translation works of Iranian and foreigner researchers in the wide range of Iranian studies including archaeology, history, culture and ancient languages. We seek to construct a broad understanding of Iran's invaluable history and superb culture through publishing the richest resources in this field. Given the long standing and profound cultural links and origins between Iran and the world from the ancient millenniums and the recent attempts to break these links and origins, Aryarmana Publication felt the necessity of extending the valuable resources of researches and translations regarding Greater Persia or Cultural Iran as its first priority. We hope to strengthen the universal links among the Iranian and those interested in Iran and the greater Persia and its culture through the cultural products of Aryarmana publications.



CONCESSIONAIRE & CHAIRMAN

Dr Shahin Aryamanesh

| Tissaphernes Archaeological Research Group |

EDITORIAL BOARD

| Dr Seyyed Mansour Seyyed Sajjadi (IsMEO) | Esmail Yaghmaei (Iran Cultural Heritage, Handcrafts and Tourism Organization) | Dr Seyyed Mehdi Mousavi (Tarbiyat Modares University) | Dr Mohammad Ebrahim Zarei (Boali Sina of Hamedan University) | Dr Sajjad Alibeygi (Kermanshah University) | Dr Hamid Reza Vali Pour (Shahid Beheshei University) | Dr Saeid Amirhajloo (Jiroft University) | Dr Cyrus Nasrollah Zadeh (Institute for humanities and cultural studies) | Dr Reza Mehr Afarin (Mazandaran University) | Dr Farzaneh Goshtasb (Institute for humanities and cultural studies) | Houshang Rostami (Tissaphernes Archaeological Research Group) |

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without prior permission in writing, from the publisher.

| Website: [www.aryaramna.ir](http://www.aryaramna.ir) |  
| E-mail: [info@aryaramna.ir](mailto:info@aryaramna.ir) | [aryaramna@hotmail.com](mailto:aryaramna@hotmail.com) |  
| Address: Iran - Tehran- P.O. Box: 14515-569 |  
| (+98) 9395969466 |



1<sup>ST</sup> BIENNIAL  
INTERNATIONAL CONFERENCE OF THE SOCIETY  
OF IRANIAN ARCHAEOLOGY: CULTURAL INTERACTIONS,  
CONTINUITY AND DISRUPTION

Edited by  
Dr Seyed Mehdi Mousavi  
Dr Shahin Aryamanesh  
Dr Majid Montazer Zohouri  
Dr Morteza Khanipour

978-622-97183-2-2

| PUBLISHED IN PERSIA |



1<sup>ST</sup> BIENNIAL  
INTERNATIONAL  
CONFERENCE OF THE SOCIETY  
OF IRANIAN ARCHAEOLOGY:  
CULTURAL INTERACTIONS,  
CONTINIUIY AND DISRUPTION

Edited by  
**Dr Seyed Mehdi Mousavi**  
**Dr Shahin Aryamanesh**  
**Dr Majid Montazer Zohouri**  
**Dr Morteza Khanipour**

with contribution  
**Dr Javad Hoseinzadeh**  
**Dr Mostafa Dehpahlevan**



1<sup>ST</sup> BIENNIAL  
INTERNATIONAL  
CONFERENCE OF THE SOCIETY  
OF IRANIAN ARCHAEOLOGY:  
CULTURAL INTERACTIONS,  
CONTINIUIY AND DISRUPTION

Edited by:  
Seyed Mehdi Mousavi, Shahin Aryamanesh  
Majid Montazer Zohouri, Morteza Khanipour



Aryaramna press



1<sup>ST</sup> BIENNIAL  
INTERNATIONAL CONFERENCE  
OF THE SOCIETY OF  
IRANIAN ARCHAEOLOGY:  
"CULTURAL INTERACTIONS,  
CONTINUITY AND DISRUPTION"

EDITED BY:  
SEYED MEHDI MOUSAVI  
SHAHIN ARYAMANESH  
MAJID MONTAZER ZOHORI  
MORTEZA KHANIPOUR



Aryaramna Press



9 786229 1718308